

نیم نگاهی به وقایع تأثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی در مشهد

انقلاب به روایت شعارهای مشهدی

رضا سلیمان نوری / شعارها یکی از نمادهای اصلی مبارزه‌های انقلابی هستندکه در عین حالی که میان مردم یک ملت مشترک است، می تواند بسته به رویدادهای رخ داده در یک شهر یا منطقه متفاوت نیز باشد. این مهم را می شود در دوران انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نیز دید؛ شعارهایی که مضامینش شکل گرفته بر اساس وقایع بوده‌اند. وقایعی که نشان می‌دهدپس از تهران، سهم خراسان و مشهد بیش از دیگر شهرهای ایران بوده است و به عبارت بهتر مشهد دومین شهر انقلابی ایران پس از پایتخت محسوب می‌شود که شعارهای ماندگاری را در تاریخ انقلاب ثبت کرده‌اند. برای نوشتن این گزارش، ما به کتاب، فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، منتشر شده از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی که تنها کتاب در این حوزه است، استناد کرده‌ایم. ناگفته نماند به دلیل بسیاری شعارها ما تنها به تعدادی از مهم‌ترین رویدادها که بازتاب آن را نه تنها در مشهد که در ایران آن روزگار هم می‌شد دید، بسنده کرده‌ایم.

- فاجعه ۲۹ آبان ۱۳۵۷ و حمله به حرم مطهر رضوی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ انقلاب اسلامی مشهد، رخداد روز ۲۹ آبان ماه سال ۱۳۵۷ مشهداست. در این روز عمل رژیم پهلوی در تعقیب تعدادی از انقلابیون به مجموعه حرم مطهر رضوی وارد شدند و ماجرای تعرض روس‌ها را تکرار کردند. آنان در این اقدام با تیراندازی به سوی مردم حاضر در رواق‌های حرم مطهر تعدادی از آنان را زخمی کردند. وقوع این رخداد آخرین تیرها را بر تابوت پوسیده حکومت پهلوی از منظر دینی زد و آتانی که برخی اقدامات ضد دینی رژیم چون حمله به مسجد جامع کرمان را توجیه می کردند، دیگر هیچ توجیهی برای این عمل ضد دینی نداشتند. انتشار خبر این ماجرا در آن شرایط که نشریات هم در اعتصاب عمومی به سر می‌بردند به نحوی بود که باعث خشم بسیار مردم و در نتیجه انعکاس آن در شعارهای راهپیمایی‌های روزهای بعد نقاط مختلف کشور شد. واکنش تمامی مراجع وقت به این ماجرا و حتی اعلام عزای عمومی توسط تعدادی از آنان از جمله‌امام خمینی ^(ع) نیز باعث فراگیرتر شدن اعتراضات مردمی به این اقدام حکومت پهلوی شد. در ادامه، شعارهای بسیاری در این باره از سوی مردم تولید و در راهپیمایی‌های مختلف فریاد شد.

موارد زیر مهم‌ترین این شعارها هستند که نه تنها در مشهد بلکه در ایران گستردگی داشت وباواکنش‌های مردمی همراه بود:

خاک ایران لاله گون چون کرپلا کردی
مشهد از خون عزیزان چو منا کردی

از خون ما جوانان، ایران به خون آغشته
صحن و صریح مشهد، جای گلوله مانده
از خون ما جوانان، به پاشده گلستان
برای حفظ قرآن، به پا خیزی ای مسلمان

باردیگر دشمن دین و قرآن
آتش زده به مسجد و به قرآن
بار دیگر ز دست شاه خائن
گشته تجاوز به حرم رضاع^(۱)
خیانت تا به کی؟ جنایت تا به کی؟
مرگ بر این شاه، مرگ بر این شاه

در روزهای دهه فجر امسال قصد داریم از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ خورشیدی روایت رویدادهای انقلاب مشهد رادر سه فصل(خیزش، قیام و پیروزی) از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ در هفت قسمت روایت کنیم. با ما همراه باشید.

مريضه تریابی

برخی از مورخان وپژوهشگران معتقدندکه رژیم‌شاه، عملااز مهرماه سال ۱۳۵۷، در اداره و کنترل شهر مشهد مشکل داشت. این ادعا دور از واقعیت نیست؛ دلیل آن هم برقراری حکومت نظامی پی‌درپی در این شهر، طی این ماه است. از روز چهارم مهرماه که اخبار مربوط به محاصره بیت امام خمینی ^(ع) در نجف منتشر شد، تقریبابه‌صورت روزانه وگسترده تظاهرات، اعتصاب و اعتراض در اشکال گوناگون آن در مشهد وجود داشت. روز ۹ مهرماه، شهر به حالت نیمه‌تعطیل درآمد و دایره اعتصاب‌ها به ادارات دولتی کشیده شد، کارمندان ادارات فرهنگ و هنر، بیمارستان شاهرضا، اداره پُست، گمرک و دارایی‌به‌اعتصاب‌پیوستند. دانش‌آموزان و دانشجویان نیز، حضوری گسترده در میدان اعتراضات داشتند.

- نوجوانان و جوانان تاریخ‌ساز**

موضوعی که شاید کمتر درباره آن شنیده باشید، حضور مؤثر دانش‌آموزان در جریان اعتراضات پاییز ۱۳۵۷ در مشهد است. اولین قشری که به‌حکومت‌نظامی‌مشهد اعتنایی نکرد و علی‌رغم همه تهدیدها، به میدان آمد، دانش‌آموزان بودند؛ دانش‌آموزان دبیرستان‌های شاهرضا، فیوضات و هنرستان صنعتی مشهد (شهید بهشتی امروزی) روز ۱۰ مهرماه، باوجود برقراری مقررات حکومت نظامی، در خیابان ارگ تظاهرات کردند؛ همین اقدام مشوق گروه‌های دیگر برای حضور در میدان مبارزه و بی‌اعتنایی به حکومت نظامی بود. اعتراض‌شد، شدت عمل دشمن، دیگر الگوی پراکنده نداشت. مثلاً تهرری



نخست این شعار یعنی، کودک بیمار را، اشاره مستقیم به فاجعه حمله جماعت داران طرفدار پهلوی دوم به بخش اطفال بیمارستان امام رضا^(ع) مشهد دارد، زیرا در هیچ کدام از دیگر شهرهای ذکر شده در این شعار، چنین جنباتی رخ نداده بود. **● دی‌ماه خونین مشهد۱۳۵۷** وقایع رخ داده در دی ماه ۱۳۵۷ در مشهد نیز انعکاس در خورتوجهی در شعارهای شرکت کنندگان در راهپیمایی‌های ضد حکومت آن زمان داشته است. مشهد در دی‌ماه، چهار روز خونین دوم، پنجم، نهم و دهم دی را به خود دید. در این روزها تعداد در خور توجهی از مردم مشهد در محدوده خیابان‌های آیت‌ا... شیرازی، ملک الشعرای بهار، امام خمینی ^(ع)، دانشگاه، امام رضا^(ع)، شهید دیالمه و شهید اندرزگوی کنونی به خاک و خون کشیده شدند به نحوی که روز ۱۰ دی در تاریخ انقلاب به، یکشنبه خونین، معروف شد. هم‌زمانی این وقایع با فاجعه دهم دی ماه کرمانشاه و هفتم دی ماه قزوین که در هر دوی آنان مردم معترض توسط عمال حکومت به خاک و خون کشیده شدند، باعث شد تا در روزهای بعد نام مشهد در برخی از شعارهای اشاره کننده به این وقایع کنار این شهرها آورده شود. مشهورترین شعارهای آهنگینی که به این فجایع اشاره داشتند، موارد زیر هستند؛

کشتار صدها انسان، در مشهد و کرمانشاه
ثابت شده به هر کس، با توپ و تانک این شاه
دست و پا می‌زند، گور خود می‌کند
مرگ بر شاه، مرگ بر شاه

ای که پرپرکنی جوانه‌ها / می‌زنی آتشی به خانه
می‌کشی خلق مسلم خدا/ تا که خود پرکنی خزانه‌ها
خون گرفته ایران را / قزوین خراسان را
می‌کشی جوانان را / حامیان قرآن را / مرگ بر این شاه

خون گرفته ایران را، قزوین و خراسان را
می‌کشند جوانان را، حافظین قرآن را
اگرچه دشمن خواهد، چراغ حق را خاموش
ولی نگردهد هرگز، خدای من فراموش
خون گرفته ایران را، قزوین و خراسان را
می‌کشند جوانان را، حامیان قرآن را
ای مرگ بر شاه، مرگ بر شاه

روایت‌هایی از روند رویدادهای انقلابی در مشهد (قسمت چهارم فصل دوم)

پاییز ۵۷ و اوج گرفتن انقلاب مشهد

انقلاب در این شهر، متشکل از آیات خامنه‌ای، واعظ‌طیسی و حجت‌الاسلام هاشمی نژاد، مسئولیت هماهنگی میان انقلابیون را برعهده داشتند و این هماهنگی، سبب انسجام‌بیشتر فعالیت‌ها می‌شد. کار به جایی رسید که در ۱۶ مهرماه، هزاران نفر از مردم مشهد در خیابان‌های نادری، خسروی و محدوده دروازه طلایی به راهپیمایی پرداختند و فرماندار نظامی مشهد، برای سرکوب و متفرق کردن آن جمعیت انبوه، تانک‌ها را به میدان آورد. شاید به همین دلیل بود که مردم، پس از آن، کانون اصلی اعتراضات و تجمعات را به حرم و اطراف آن انتقال دادند، چون در این مکان، امکان مانور تانک‌ها بسیار کمتر بود. روز ۱۸ مهرماه، در تجمع گسترده مردم، در صحن موزه حرم رضوی (که امروزه به رواق امام خمینی ^(ع) تبدیل شده‌است) مأموران به ضرب و شتم مردم رو آوردند؛ در این حمله جوانی هجده ساله به نام حمید مقدم بیهوش‌زنی از ناحیه سر مضروب شد و چند روز بعد به دلیل خونریزی مغزی به شهادت رسید. شهادت این جوان هجده ساله، بازتاب گسترده‌ای در مشهد پیدا کرد و چون در حرم رضوی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌بود، کارکنان آستان قدس نیز از ۲۱ مهرماه به جمع اعتصاب‌کنندگان پیوستند. در این روز، تظاهرات هزاران نفری در مشهد برگزار شد و ۱۵ هزار نفر در اطراف بیت آیت‌ا... العظمی شیرازی گردآمدند و عملاً مسیر عبور و مرور در خیابان‌نادری وپالایخیابان بسته‌شد. رژیم برای کنترل اوضاع، دوباره به خشونت رو آورد؛ با آیدن تانک‌ها و نفرپرها به صحنه، جمعیت اطراف بیت آیت‌ا... العظمی شیرازی عقب رانده و بیت این مرجع تقلید، محاصره شد. شدت عمل دشمن، در چنین به‌گونه‌ای بود که حتی بستگان درجه‌یک

دبیرستان شاهرضا، روز ۱۰ آبان ۱۳۵۷، کلاس‌ها را تعطیل و در حیطا مدرسه اجتماع کردند. آن‌ها در این اجتماع، ضمن سر دادن شعارهای ضد رژیم، نام دبیرستان خود را به دبیرستان دکتر علی شریعتی تغییر دادند، نامی که همچنان روی این مدرسه قدیمی شهر مشهد باقی مانده‌است. فعالیت‌های گسترده دانش‌آموزان، فرهنگیان مشهد را هم، بیش از قبل وارد عرصه مبارزه کرد. به همت آن‌ها روز ۱۶ آبان، همایش بزرگ مردمی در میدان ورزشی سعدآباد برگزار شد که در آن، آیت‌ا... خامنه‌ای به ایراد سخنرانی پرداخت. در همین اجتماع بود که نام میدان ورزشی سعدآباد به تختی تغییر کرد. این تغییر نام‌ها در شهر مشهد که باید آن را «انقلاب نام‌ها» بدانیم، طی پاییز ۱۳۵۷، زیاددیده‌شد و نشان دهنده آن بود که رژیم به تدریج کنترل خود را بر شهر از دست می‌دهد.

● ماه محرم و شتاب گرفتن انقلاب
همان‌طور که اشاره کردیم، تقریباً از میانه مهرماه، حرم مطهر به یکی از کانون‌های تجمع و آغاز و انجام راهپیمایی‌های اعتراضی در مشهد تبدیل شد. به همین دلیل، بخشی از درگیری‌های مأموران رژیم با مردم، در اطراف حرم رضوی به وقوع می‌پیوست. روز ۲۹ آبان، غم‌ال رژیم پهلوی برای بازداشت تعدادی از انقلابیون که گمان می‌رفت وارد حرم رضوی‌شوند، به‌طور مسلح وارد این مکان مقدس می‌شوند و وقتی با مقاومت مردم و شعارهای ضد رژیم در صحن عتیق روبه‌رو می‌شوند، تیراندازی به سوی مردم را آغاز می‌کنند. در این اقدام، علاوه بر زخمی‌شدن جمعی از مردم، برخی از تژیئات حرم مطهر نیز آسیب دید. مأموران حتی حرمت روضه

- دلوری شهید محسن کاشانی**

انعکاس همراهی مردم با واقعه ترور استاندار همدان هرچند در مشهد رخ نداد، اما با توجه به اینکه عامل اجرای آن مشهدی بود، می‌توان در دسته شعارهای انقلابی مرتبط با مشهد قرار داد. روز ۱۹ آذر ۱۳۵۷ برابر با تاسوعای حسینی سرباز محسن مباشر کاشانی که از اهالی مشهد و ساکن کوچه حسین باشی بود تلاش کرد تا استاندار خون‌ریز همدان را قبل از انجام جنباتی تازه ترور کند، اما تنها موفق به مجروح کردن وی شد. محسن کاشانی عصر همان روز هم در درگیری مسلحانه در کوه‌های گنج‌نامه به شهادت رسید. عمومی شدن خبر اقدام کاشانی و شهادت وی بر سر راه رسیدن به هدفش باعث تولید شعاری شد که در ماه‌های بعد بارها در تظاهرات‌های مردم مناطق مختلف کشور بیان شد. شعاری با این مضمون:

جنایت پهلوی باز نمایان شده
محسن ما شهید و فدای قرآن شده

● شهادت شریعتی در شعارها
ماجرای درگذشت رموزد کتر شریعتی در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ هم دستمایه شعارهای بسیاری در دوران مبارزه مردم ایران علیه حکومت پهلوی بود. مردم مبارز ایران در آن دوران با توجه به حواشی این درگذشت خاصه مکان آن که در انگلستان رخ داد، بازنگشتن جنازه دکتر به ایران و تدفین امانی آن در زمینه و برخی اقدامات رژیم در مقابله با برگزاری مراسم بزرگداشت وی به این نتیجه‌رسیده بودند که دکتر شریعتی توسط عمال رژیم پهلوی به شهادت رسیده‌است. این امر در کنار استقبال گسترده طیف جوان از آرا و اندیشه‌های وی که باعث شده بود به او لقب «معلم شهید» را بدهند، زمینه‌ساز تولید و سپس بیان شعارهای مختلفی حول محور نام وی در دوران انقلاب اسلامی شد. این شعارها عبارت‌اند از: درود بر شریعتی معلم شهید ما

معلم شهید ما / دکتر علی شریعتی
جان به کنش نهاده بود! اله اله چه همتی
آغاز بیداری / ضد استعماری
زنده باد نام او / نام او یاد او...

مساجد انقلابی مشهد

اولین «نه» به دومین پهلوی

نگاهی به نقش مسجد فیل در مبارزات انقلاب اسلامی



زهرایات

مسجد فیل اگرچه امروز به یک نمازخانه کوچک در حاشیه پایین خیابان (نواب صفوی) بدل شده است، اما حادثه‌ای که سال ۱۳۴۲ در این مسجد رخ داده است، همچنان یکی از حوادث مهم دوران نهضت انقلاب در مشهد محسوب می‌شود که پیامدهای فراوانی نیز به همراه داشته است. حادثه از آنجا شروع می‌شود که سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، از وعاظ و منبری‌های معروف مشهد، طی سه شب (۱۸ و ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۴۲ خورشیدی) در منزل اخوان فاطمی در محله عیدگاه، کوچه جهودها، روبه‌روی گرمابه اسلام منبر می‌روند و در انتقاد از رژیم ودستگاه پهلوی سخنرانی می‌کنند. در شب نوزدهم به هنگام سخنرانی هاشمی‌نژاد، آیت‌ا... سید محمدهادی میلانی که چندی قبل از تهران به مشهد بازگشته است، در مجلس حضور می‌یابد. حضور ایشان بر رونق مجلس می‌افزاید و مردم با شور و هیجان بیشتر برای سلامتی امام ^(ع) و آیت‌ا... سیدحسن طباطبایی قمی چندین بار صلوات می‌فرستند. هاشمی‌نژاد که اوضاع را مناسب می‌بیند، فرصت را غنیمت می‌شمرد و از تلاش‌ها و کوشش‌های آیت‌ا... میلانی در مهاجرت به تهران و کوشش دیگر علما برای آزاد ساختن امام ^(ع) و دیگر بازداشت‌شدگان ۱۵ خرداد تجلیل می‌کند. او در ادامه سخنانش خطاب به آیت‌ا... میلانی می‌گوید: «حضرت آیت‌ا... العظمی میلانی، مرجع عالی قدر، بیشتر مردم می‌گویند ما جماعت شیعه کاری از دستمان ساخته نیست و به محض اینکه دو گلوله خارج شد همه متفرق می‌شویم و فداکاری نمی‌کنیم. اولا به خدا این‌طور نیست، مردم شیعه احتیاج به یک دست با قدرت دارند، یعنی یک نفر رهبر... او در پایان سخنرانی خود، از آمادگی مردم برای مبارزه و حتی شهید شدن در این راه سخن می‌گوید و اعلام می‌کند که از فردا شب در مسجد فیل، سخنرانی خویش را ادامه خواهد داد. دعوت هاشمی‌نژاد برای ایراد سخنرانی در مسجد فیل از سوی صنف پوست‌فروش و افراد فعال مذهبی و انقلابی پایین‌خیابان انجام شده است. جریان از این قرار است که آقای دانش سخنور دوسه شب در این مسجد منبر رفته بود، ولی چون در سخنانش از جریان فراندوم لوايح ششگانه در شهرستان فردوس حمایت کرده بود، مردم از او متفرق شده و از ادامه منبرش جلوگیری کرده بودند و از هاشمی‌نژاد خواسته بودند تا در آن سخنرانی کند.

در شب سه‌شنبه مورخه ۲۳ مهر ۱۳۴۲ خورشیدی و سومین شب سخنرانی هاشمی‌نژاد در مسجد فیل، جمعیت بیشتری گرد می‌آیند. در این شب ابتدا شیخ علی فصیحی از وعاظ مشهد منبر می‌رود. منبر او ساعت ۲۰:۳۰ به پایان می‌رسد و به طرف منزل خود حرکت می‌کند، اما در اول کوچه حسنتلی به وسیله پلیس بازداشت و به کلانتری منتقل می‌شود. خبر بازداشت شیخ علی فصیحی بلافاصله در مسجد فیل و خیابان‌های اطراف آن منتشر می‌شود. به هاشمی‌نژاد هم اطلاع داده می‌شود که امکان بازداشتش توسط ساواک زیاد است، با وجود این مانند شب‌های قبل منبر می‌رود و سخنرانی می‌کند. او طی سخنانی از تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تساوی حقوق زن و مرد انتقاد و این قوانین را برگرفته از قوانین اروپایی اعلام می‌کند. مطابق گزارش ساواک، هاشمی‌نژاد حتی نخست‌وزیر را هم تهدید می‌کند، «نام‌برده در شب گذشته در مسجد فیل در منبر فریاد می‌زد علم! (اسدا... علم) خیال کردی تو سوار کار شدی، همین چند روزه حسابت روشن می‌شود.» البته ساواک مشهد که از چندی قبل از سخنرانی‌های هاشمی‌نژاد احساس خطر کرده است، در گزارشی به ساواک تهران از آن‌ها می‌خواهد پیرو مذاکره و توافقی که با استاندار خراسان صورت گرفته، درباره بازداشت ۴ تن از وعاظ (هاشمی‌نژاد، شیخ علی فصیحی، مصطفی غروی و سیدمهدی طباطبایی) تصمیمات لازم اتخاذشود. اما گویا کار از کار گذشته‌است. مردم با اطلاع یافتن از وجود خطر دستگیری هاشمی‌نژاد، سعی می‌کنند با خاموش کردن لامپ‌های مسجد او را فراری دهند، ولی هاشمی‌نژاد حاضر به این کار نمی‌شود و آمادگی خود را برای معرفی داوطلبانه به شهربانی اعلام می‌کند. در این زمان سبل جمعیت که به روایتی حدود ۶۰۰۰ نفر هستند به جنب و جوش در می‌آید. با پایین آمدن هاشمی‌نژاد از منبر عده‌ای تصمیم می‌گیرند او را با لباس میدل فراری دهند، اما باز هم رضایت نمی‌دهد. بر اساس اسناد موجود، هاشمی‌نژاد که از وجود نیروهای شهربانی و ساواک در میان جمعیت مطلع است، از مردم تقاضا می‌کند ضمن حفظ نظم و آرامش متفرق شوند. او حتی چند تن از مأموران را می‌خواهد و برای جلوگیری از هروگونه حادثه احتمالی ۳ پیشنهاد برای جلب خود می‌دهد. سومین پیشنهاد این است «صبر کنیم مردم کاملاً متفرق شوند، آنگاه مرا جلب کنید.»

مأموران پیشنهاد سوم را می‌پذیرند و یک ساعت پس از پایان منبر به خیال اینکه مردم به‌طور کامل متفرق شده‌اند، برای دستگیری هاشمی‌نژاد اقدام می‌کنند. هنگام خارج کردن هاشمی‌نژاد از مسجد توسط شمس‌آرا (رئیس اطلاعات)، سرگرد هنرقاسمی (رئیس کلانتری بخش ۳) و سرپاسیان یکم ارفع‌نیا، جمعیت خشمگین که از ماجرا باخبر شده‌اند با چوب و سنگ برای آزاد کردن هاشمی‌نژاد به سوی ماشین مأموران (فولکس واگن شخصی سرگرد هنرقاسمی) هجوم می‌آورند. به دنبال ضرباتی که مردم با چوب و آجر به ماشین می‌زنند، نیروهای امنیتی حاضر در محل به‌سوی آن‌ها تیراندازی می‌کنند و در نتیجه تعدادی مجروح می‌شوند که از میان آن‌ها حسین پوراحمدی گفاش و استاد حاج مهدی نجار در بیمارستان «دویست تخت‌خوابی» فوت می‌کنند. هاشمی‌نژاد به بازداشتگاه ساواک اعزام می‌شود، فوتی‌ها هم توسط مأموران در قبرستان «باغ رضوان» دفن می‌شوند و به ظاهر همه چیز تمام می‌شود، اما مشهد دیگر آن مشهد سابق نیست. حادثه مسجد فیل نخستین رویارویی خونین حکومت با مردم مشهد است برای همین تأثیرات بزرگی بر روند گسترش نهضت در مشهد برجای می‌گذارد. به رغم تلخی و ناگوار بودن، این حادثه بیوت مراجع مشهد به‌ویژه آیات عظام سیدمحمدهادی میلانی و سیدحسن قمی را به‌هم نزدیک‌تر می‌کند و از سوی دیگر، طلاب حوزه علمیه مشهد را در رسیدن به هدف منسجم‌تر می‌سازد؛ همچنین هیجان وصف‌ناپذیری در مردم مشهد به وجود می‌آورد. مسئله دیگر درباره این حادثه بازتابی است که در تهران و حتی بیرون از کشور دارد. رژیم پس از قیام پانزده خرداد و در پی بازداشت امام، آیت‌ا... قمی و دیگر علما و همچنین ارباب مردم، توانسته بود از جایگاه و موضع قدرت وارد میدان شود و مردم را تا اندازه‌ای در انزوا قرار دهد، اما پس از این حادثه بود که مردم مشهد و ایران دوباره در صحنه مبارزه حضور یافتند و بر خواسته‌های خود تأکید کردند.